

ارتباط بین سبک زندگی با سبک فرزندپروری پدران: نقش عامل اعتیاد پدر نوجوانان

دکتر مجتبی حبیبی⁽¹⁾، محسن حاجی شیخی⁽²⁾، هانیه لواف⁽²⁾

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های زندگی و سبک‌های فرزندپروری در پدران وابسته به مواد و مقایسه آن با پدران عادی صورت گرفت. **روش:** نمونه پژوهش شامل 173 مرد وابسته به مواد مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر تهران و 195 فرد عادی از جمعیت عمومی بود که به روش در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه مقیاس‌های اساسی آدلر برای موفقیت بین فردی - نسخه بزرگسالان و سبک‌های فرزندپروری بامریند گردآوری شد؛ و با روش‌های آماری همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون خطی چندگانه و تحلیل واریانس چندمتغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** برخی از خرده مقیاس‌های سبک‌های زندگی، به طور معنی‌داری سبک‌های فرزندپروری به تفکیک دو گروه عادی و وابسته به مواد را پیش‌بینی کردند. بین دو گروه از لحاظ ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری پدران با جنسیت فرزندان و ساختار خانواده تفاوت معنی‌داری یافت نشد. **نتیجه‌گیری:** یافته‌ها از تأثیرگذاری سبک زندگی پدر بر سبک فرزندپروری وی حمایت می‌کند. بنابراین باید سبک زندگی را به عنوان یک مسئله مهم روان‌شناختی مورد تأکید قرار داد. **کلیدواژه:** سبک زندگی؛ فرزندپروری؛ جنسیت

[دریافت مقاله: 1394/2/16؛ پذیرش مقاله: 1394/6/16]

297

297

مقدمه

خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت، ارزش‌ها و معیارهای فکری فرزندان است (1). روان‌شناسان بر این باورند که عملکرد والدین به طور معنی‌داری بر شکل‌گیری افکار، رفتار و هیجانات کودک تأثیر دارد (2). بنابراین شیوه‌های فرزندپروری¹ و روش‌های تربیتی والدین دارای اهمیت بسیار است. سبک‌های فرزندپروری مجموعه‌ای از نگرش‌ها، اعمال و اظهارات غیرکلامی والدین است که ماهیت تعاملات والد-کودک را در موقعیت‌های مختلف تعیین می‌کند (3). بامریند² (1971) سه سبک فرزندپروری را مشخص کرده است، سبک مستبدانه³ یا سلطه‌گر که شامل قوانین اجباری و سخت و

سطوح پائین پذیرش است؛ سبک مقتدرانه⁴ که ترکیبی از کنترل و حمایت و علاقه‌مندی منطقی است. در والدین دارای این سبک، اعمال قوانین ثابت همراه با نشان دادن پذیرش دیده می‌شود؛ و بالاخره سبک سهل‌گیرانه⁵ که با سطوح پائین کنترل همراه است (4). بولاندا⁶ (5) در پژوهشی، شیوه‌های فرزندپروری را در یک بافت وسیع اجتماعی تحلیل نمود. نتایج این تحلیل، شیوه‌های فرزندپروری توصیف شده در مدل کارکرد خانوادگی بامریند را تایید کرد. این سبک شناسی چهار وجه را در بر می‌گیرد: سبک فرزندپروری سهل‌گیر که در آن سطوح بالای پذیرش و سطح پائین کنترل و تأثیرات والدینی

(1) دکترای روانشناسی سلامت، دانشیار پژوهشکده خانواده، تهران، ولنجک، بلوار دانشجو، دانشگاه شهید بهشتی. داورنگار: 02122431814 (نویسنده مسئول)
(2) کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، گروه روانشناسی. E-mail: mo_habibi@sbu.ac.ir

¹ parenting practices

² Baumrind

³ Authoritarian

⁴ Authoritative

⁵ Uninvolved

⁶ Bulanda

نوعی وحدت برخوردار است. در رابطه با سبک زندگی افراد تناقضی وجود دارد، سبک زندگی ممکن است برای دیگران آشکار باشد، ولی در بسیاری از موارد افراد از راهبردهای سبک زندگی که اعمال و رفتار آنها را هدایت می کند، آگاه نیستند (14). انتخاب سبک زندگی، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، آینده فرد را رقم می زند (15) و در وضعیت سلامت و بروز انواع ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی تأثیر دارد (20). در پژوهش های پیشین رابطه سبک زندگی با شیوه های فرزندپروری (12)، شیوه های مقابله با فشار روانی (16)، اختلالات روان شناختی (17) و رضایت زناشویی (18) مورد بررسی قرار گرفته است.

یکی از عواملی که به نظر می رسد بر سبک زندگی و فرزندپروری افراد تأثیر می گذارد، مسئله اعتیاد است. اعتیاد والدین می تواند باعث از هم پاشیدگی خانواده و در نتیجه مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان شود. اعتیاد والدین باعث سردی کانون خانواده، سستی پیوندهای عاطفی، احساس شرمساری، نابسامانی زندگی و فقر در خانواده می گردد (15). بر اساس نظریه سیستم ها، وقتی یک عضو خانواده وابسته به مواد است، این عامل مرکز ثقل کارکرد نظام خانواده می شود (19). ساختار خانواده به توانایی خانواده در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی میان اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز میان افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل دستگاه خانواده مربوط است. تغییرات کمی و کیفی در فرآیند یاد شده، باعث شکل گیری شخصیت های متفاوت در خانواده می گردد. این تغییرات به رغم این که می تواند پشتوانه ای برای سلامت رفتاری افراد باشد، خود، مشکلات رفتاری خاصی ایجاد می کند که به عوامل متعددی بستگی دارد (20). حذف یکی از والدین، از عوامل اصلی زمینه ساز آشفتگی ساختار خانواده است. بنابراین کارکردها و مسئولیت های دیگر اعضای خانواده باید به گونه ای تغییر کند که بتواند جای خالی او را پر کند. چنانچه این فرآیند به درستی اتفاق نیفتد، خانواده دچار آشفتگی شده و در نتیجه زمینه بروز ناهنجاری ها در اعضا فراهم می آید (21). گسستگی در ساختار خانواده، می تواند به نظارت اندک والدین منجر شود (22).

اگر چه پژوهش های گذشته نشان می دهند که کودکان از داشتن والدین مقتدر بیشترین سود را می برند، اما بیشتر

بر ظاهر و رفتار نوجوان اعمال می شود. سبک فرزندپروری بی اعتنا که در آن نوجوان احساس می کند که مورد انتقاد واقع می شود، انتظارات والدین غیر منطقی است و حمایت کافی از وی به عمل نمی آید. در واقع کنترل و پذیرش هر دو در سطح پائینی قرار دارند. سبک فرزندپروری مقتدرانه که سطوح بالای پذیرش را اعمال می کند، اما بر خلاف سبک اول با سطوح بالای حمایت، کنترل و تأثیر والدین بر ظاهر و رفتار نوجوان همراه است. سبک فرزندپروری مقتدرانه، تشویق و نظارت را با یکدیگر می آمیزد. این سبک می تواند در حالی که احساس دوست داشتن و حمایت شدن را القا می کند، سطح مناسبی از نظم را نیز در خانواده حفظ کند (6) و در نهایت سبک فرزندپروری مستبد یا سلطه گر که با سطوح پائین تر پذیرش، همراه با سطوح بالای کنترل شناخته می شود (5).

در دهه های اخیر، پژوهش هایی در مورد تأثیر شیوه های فرزندپروری بر اضطراب و افسردگی (7) و آمادگی به اعتیاد (8-10) در فرزندان صورت گرفته است. طبق این پژوهش ها والدین بی اعتنا و مستبد زمینه افسردگی را در فرزندان خود فراهم می کنند. بین شیوه فرزندپروری سهل گیر و استبدادی با گرایش بالقوه فرزندان به اعتیاد رابطه مثبت معنی دار، و بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه و گرایش بالقوه فرزندان به اعتیاد رابطه منفی وجود دارد.

شیوه خاصی که هر خانواده در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می برد، متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است (11). عوامل متعدد و شخصی تری از جمله سلامت روان، تحصیلات و سبک زندگی¹ والدین نیز بر شیوه های فرزندپروری والدین اثر می گذارد؛ که سبک زندگی والدین را می توان به عنوان یکی از مهم ترین این عوامل در نظر گرفت (12).

مفهوم سبک زندگی اولین بار در سال 1929 توسط آدلر²، روانشناس اجتماعی، مطرح شد. امروزه سبک زندگی و اهمیت آن به صورت یکی از مسائل مهم روان شناختی در آمده است. سبک زندگی بعد عینی و کمیت پذیر شخصیت افراد و شیوه ای نسبتاً ثابت است که فرد برای رسیدن به اهداف خود به کار می برد (13). به عبارت دیگر سبک زندگی مجموعه ای نسبتاً منسجم از رفتارها و فعالیت های معین یک فرد، در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه ای از عادات و جهت گیری هاست و بر همین اساس از

¹ Life style

² Adler

پژوهش‌ها (23-25) بر روی مادران متمرکز بوده و سبک‌های فرزندپروری مادران را ارزیابی کرده‌اند و این‌گونه تصور شده است که پدران نیز از همان سبک پیروی می‌کنند. اما متأسفانه اطلاعات ناچیزی در مورد صحت این تصور در دست است و این در حالی است که یک پژوهش (26) نشان می‌دهد که پدران و مادران در فرزندپروری با هم متفاوتند. با توجه به اهمیت فرزندپروری در شکل‌گیری شخصیت فرزندان و سلامت روانی آنها و سبک زندگی به عنوان متغیر پیش بین در انتخاب شیوه‌های فرزندپروری، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر، با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی اعتیاد پدر است: 1- آیا رابطه‌ای بین سبک زندگی و فرزندپروری وجود دارد؟ 2- آیا از سبک زندگی پدر می‌توان شیوه‌های فرزندپروری او را پیش‌بینی کرد؟ 3- آیا سبک فرزندپروری پدران، برای فرزندان دختر و پسر متفاوت است؟ 4- آیا رابطه‌ای بین سبک فرزندپروری با انواع ساختار خانواده وجود دارد؟

روش

مطالعه حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی - همبستگی است. نمونه پژوهش شامل 173 مرد وابسته به مواد متاهل مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر تهران بود که پس از اخذ مجوزهای لازم، به روش در دسترس از این مراکز انتخاب شدند؛ و 195 فرد عادی که به روش در دسترس از جمعیت عمومی ساکن شهر تهران نمونه‌گیری شدند. لازم به ذکر است که حجم نمونه، 250 نفر برای هر گروه در نظر گرفته شده بود، که با کنار گذاشتن پرسشنامه‌های ناقص، حجم نمونه فعلی به دست آمد. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: داشتن حداقل یک سال سابقه سوء مصرف مواد در افراد وابسته به مواد و زندگی با همسر و داشتن حداقل یک فرزند، دارا بودن حداقل تحصیلات در سطح سوم راهنمایی، رضایت فرد جهت شرکت در پژوهش در شرکت‌کنندگان دو گروه.

جهت بررسی ساختار خانواده، موارد زیر در مورد شرکت‌کنندگان مورد بررسی قرار گرفت:

- زندگی با همسر (بدون فرزند)
- زندگی با همسر و فرزند ناتنی
- زندگی با همسر و فرزند تنی
- زندگی با همسر، فرزندان و والدین همسر

- زندگی با فرزندان و فوت همسر
- زندگی با فرزندان و طلاق از همسر
برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شده است: پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند¹: پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند که بر اساس نظریه بامریند (1991) ساخته شده است. این پرسشنامه شامل 30 ماده است که هر ماده روی یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. دارای سه خرده مقیاس سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه است که هر خرده مقیاس 10 سؤال را به خود اختصاص داده است (24). بامریند ضریب پایایی بازآزمایی این ابزار را برای سبک سهل‌گیرانه 0/81، برای سبک مستبدانه 0/85، و برای سبک مقتدرانه 0/92 به دست آورد. در مطالعه بوری² (1991)، روایی این پرسشنامه برای سبک‌های سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب برابر با 0/81، 0/86 و 0/78 گزارش شد (27).

ویژگی‌های روانسنجی فرم فارسی این ابزار توسط اسفندیاری (24) مورد بررسی قرار گرفت. در این مطالعه میزان پایایی پرسشنامه برای سبک سهل‌گیرانه 0/69، برای سبک مستبدانه 0/77 و برای شیوه مقتدرانه 0/73 به دست آمد. روایی محتوایی این پرسشنامه به وسیله 10 روانشناس و روانپزشک مورد تأیید قرار گرفت (24).

پرسشنامه مقیاس‌های اساسی آدلر برای موفقیت بین فردی - نسخه بزرگسالان (ASIS-A)³: این پرسشنامه بر اساس روان‌شناسی فردی آلفرد آدلر ساخته شده (27) و شامل 62 عبارت بسته پاسخ است که هر کدام پنج گزینه دارد. هدف این پرسشنامه کمک به فهم سبک زندگی فرد بر اساس خاطرات شکل گرفته وی در دوران کودکی و عملکرد کنونی فرد است. تمام سؤالات با عبارت «وقتی بچه بودم» شروع می‌شود و از فرد می‌خواهد که خاطرات دوران کودکی خود را به یاد آورد. این ابزار، پنج مقیاس اصلی و پنج مقیاس فرعی دارد. مقیاس‌های اصلی شامل تعلق - علاقه اجتماعی، کنار آمدن، مسئولیت‌پذیری، نیاز به تأیید و محتاط بودن و مقیاس‌های فرعی شامل سخت‌گیری، مستحق بودن، مورد علاقه همه بودن، کوشش برای رسیدن به کمال و ملایمت است (28).

¹ Baumrind's Parenting Styles Questionnaire

² Buri

³ Adlerian Scales for Interpersonal Success-Adult form

درصد) پنج فرزند به بالا بودند. در گروه افراد عادی 68 نفر (34/9 درصد) یک فرزند، 87 نفر (44/6 درصد) دو فرزند، 34 نفر (17/4 درصد) سه فرزند، 4 نفر (2/1 درصد) چهار فرزند و 2 نفر (1/0 درصد) پنج فرزند بودند.

نتیجه آزمون خی دو نشان داد که تفاوت معنی داری بین دو گروه عادی و وابسته به مواد از نظر تعداد فرزندان وجود ندارد ($\chi^2=20/00$, $df=16$, $p=0/22$).

برای بررسی رابطه بین سبک زندگی و سبک فرزندپروری از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. رابطه بین خرده مقیاس های سبک زندگی تنها با سبک فرزندپروری مقتدرانه (اقتدار منطقی) معنی دار بود که نتایج آن در جدول 1 ارایه شده است.

نتایج مقایسه همبستگی بین سبک های مختلف زندگی و سبک زندگی مقتدرانه در دو گروه عادی و وابسته به مواد نشان می دهد که بین دو گروه از لحاظ همبستگی بین متغیرهای کنار آمدن و محتاط بودن با متغیر سبک زندگی مقتدرانه، تفاوت معنی داری وجود دارد ($p<0/01$) (جدول 1). از تحلیل رگرسیون خطی چندگانه به منظور تعیین سهم هر یک از انواع سبک های زندگی در پیش بینی واریانس شیوه های فرزندپروری استفاده شده است (جدول 2).

ضریب همسانی درونی پرسشنامه با استفاده از الفای کرونباخ بین 0/81 تا 0/90 گزارش شده است (29). روایی محتوا، روایی سازه و همچنین روایی ملاک آن در گروه های مختلف مورد تأیید قرار گرفته است (28).

در ایران بشیری، علیزاده و کرمی (30) این ابزار را هنجاریابی و ویژگی های روانسنجی آن را مورد بررسی قرار داده اند. در پژوهش آنها ضریب آلفای محاسبه شده برای مقیاس های اصلی بین 0/65 تا 0/78 گزارش شده است. روایی صوری پرسشنامه توسط 30 نفر از اساتید و دانشجویان کارشناسی ارشد مشاوره مورد تأیید قرار گرفته است.

داده های پژوهش حاضر با روش های همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی چندگانه و تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه 18 مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

یافته ها

میانگین سن شرکت کنندگان در گروه افراد وابسته به مواد 40/17 و در افراد عادی 46/50 بود. از نظر تعداد فرزندان خانواده، در گروه وابسته به مواد 98 نفر (56/6 درصد) تک فرزند، 57 نفر (32/9 درصد) دو فرزند، 12 نفر (6/9 درصد) سه فرزند، 5 نفر (2/9 درصد) چهار فرزند و 1 نفر (0/6

300
300

جدول 1- همبستگی خرده مقیاس های سبک زندگی و سبک فرزندپروری مقتدرانه (اقتدار منطقی) به تفکیک دو گروه عادی و وابسته به مواد

خرده مقیاس های سبک زندگی	گروه	اقتدار منطقی همبستگی	نمره استاندارد Z	سطح معنی داری
مسئولیت پذیری	عادی	**0/767	0/8810	0/3783
	وابسته به مواد	**0/726		
کنار آمدن	عادی	**0/567	3/3439	0/0008
	وابسته به مواد	**0/283		
محتاط بودن	عادی	**0/634	2/7364	0/0062
	وابسته به مواد	**0/434		
نیاز به تأیید	عادی	**0/451	-1/0956	0/2732
	وابسته به مواد	**0/538		
مورد علاقه همه بودن	عادی	**0/308	-0/1794	0/8576
	وابسته به مواد	**0/325		
کوشش برای رسیدن به کمال	عادی	**0/250	-0/9156	0/3599
	وابسته به مواد	**0/338		

** $p<0/001$

جدول 2- اثر پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد سبک زندگی بر شیوه‌های فرزندپروری پدر

سبک فرزندپروری	گروه	سبک زندگی	B	خطای استاندارد	R	R ²	F	سطح معنی‌داری
سهل‌گیرانه (آسان‌گیر)	عادی	علاقه اجتماعی	0/335	0/147	0/347	0/120	2/513	0/007
		محتاط‌بودن	0/412	0/146				
		مستحق‌بودن	0/266	0/121				
مستبدانه (استبدادی)	عادی	وابسته به مواد	0/297	0/129	0/323	0/104	1/886	0/051
		مسئولیت‌پذیری	0/155	0/077	0/292	0/085	1/711	0/081
وابسته به مواد	عادی	مسئولیت‌پذیری	0/247	0/090	0/443	0/196	3/952	0/001
		نیاز به تأیید	-0/418	0/123				
		مستحق‌بودن	0/321	0/116				
مقتدرانه (اقتدار منطقی)	عادی	کنار آمدن	-0/185	0/049	0/903	0/815	81/131	0/001
		مسئولیت‌پذیری	0/435	0/044				
		نیاز به تأیید	0/346	0/065				
		محتاط‌بودن	0/946	0/075				
		سخت‌گیری	-0/289	0/083				
وابسته به مواد	عادی	علاقه اجتماعی	0/319	0/075	0/871	0/758	50/752	0/001
		مسئولیت‌پذیری	0/498	0/055				
		نیاز به تأیید	0/0225	0/075				
		محتاط‌بودن	0/775	0/080				
		سخت‌گیری	-0/194	0/077				

واریانس چند متغیری جهت بررسی اثر متغیر گروه‌های وابسته به مواد و عادی بر شیوه‌های فرزندپروری (سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه) در فرزندان دختر، پسر و دختر و پسر استفاده گردید.

استفاده از آزمون هات لاینز تریس روی ترکیب خطی شیوه‌های فرزندپروری و جنسیت فرزندان، حاکی از عدم معنی‌داری تفاوت دو گروه افراد وابسته به مواد و عادی است ($p < 0/05$). یعنی بین دو گروه افراد وابسته به مواد و عادی از لحاظ ارتباط بین جنسیت فرزندان با سبک زندگی سهل‌گیرانه ($F=0/25, p=0/77$)، مستبدانه ($F=0/67, p=0/51$) و مقتدرانه ($F=0/1, p=0/896$) تفاوت معنی‌داری وجود نداشت.

نتایج جدول 2 حاکی از آن است که ابعاد ده‌گانه سبک زندگی در گروه عادی بر روی هم 0/12 و در گروه وابسته به مواد روی هم 0/1 واریانس سبک فرزندپروری آزادگذار را پیش‌بینی می‌کند. همچنین ابعاد سبک زندگی در گروه عادی بر روی هم 0/08 و در گروه وابسته به مواد روی هم 0/19 واریانس سبک فرزندپروری استبدادی را پیش‌بینی می‌کند و این سبک‌های زندگی در گروه عادی بر روی هم 0/82 واریانس و در گروه وابسته به مواد روی هم 0/76 واریانس سبک فرزندپروری اقتدار منطقی را پیش‌بینی می‌کند. میانگین نمرات شرکت‌کنندگان در خرده‌مقیاس‌های سبک‌های فرزندپروری در گروه‌های مختلف و به تفکیک جنسیت فرزند، در جدول 3 درج شده است. از آزمون تحلیل

جدول 3- شیوه‌های فرزندپروری و جنسیت به تفکیک گروه عادی و وابسته به مواد

میانگین (انحراف معیار)	جنسیت فرزندان	گروه	سبک‌های فرزندپروری
(±6/590) 17/80	دختر	عادی	سهل‌گیرانه
(±5/443) 16/43	پسر		
(±3/754) 17/52	دختر و پسر		
(±5/062) 17/38	دختر	وابسته به مواد	
(±5/636) 16/53	پسر		
(±5/554) 17/74	دختر و پسر		
(±4/937) 15/58	دختر	عادی	مستبدانه
(±4/538) 15/37	پسر		
(±4/465) 15/35	دختر و پسر		
(±5/038) 15/04	دختر	وابسته به مواد	
(±4/864) 15/07	پسر		
(±5/642) 16/20	دختر و پسر		
(±5/834) 28/96	دختر	عادی	مقتدرانه
(±4/81) 28/51	پسر		
(±6/67) 28/53	دختر و پسر		
(±6/72) 30/04	دختر	وابسته به مواد	
(±40/90) 30/10	پسر		
(±5/810) 29/62	دختر و پسر		

302
302

جدول 4، میانگین نمرات شرکت کنندگان را در خرده مقیاس‌های سبک‌های فرزندپروری در گروه‌های مختلف و به تفکیک ساختارهای مختلف خانواده نشان می‌دهد. اثر متغیر گروه‌های وابسته به مواد و عادی بر روی سبک‌های فرزندپروری در ساختارهای مختلف خانواده نیز با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری مورد بررسی قرار گرفت.

جدول 4- سبک‌های فرزندپروری و ساختار خانواده به تفکیک گروه عادی و وابسته به مواد

میانگین (انحراف معیار)	ساختار خانواده	گروه	سبک‌های فرزندپروری
(±5/164) 17/30	زندگی با همسر و فرزند تنی	عادی	سهل‌گیرانه
(±5/603) 16/42	انواع دیگر ساختارها		
(±5/466) 17/39	زندگی با همسر و فرزند تنی	وابسته به مواد	
(±5/239) 16/03	انواع دیگر ساختارها		
(±4/636) 15/51	زندگی با همسر و فرزند تنی	عادی	مستبدانه
(±4/269) 15/32	انواع دیگر ساختارها		
(±5/128) 15/37	زندگی با همسر و فرزند تنی	وابسته به مواد	
(±5/322) 15/47	انواع دیگر ساختارها		
(±5/953) 28/89	زندگی با همسر و فرزند تنی	عادی	مقتدرانه
(±4/012) 26/26	انواع دیگر ساختارها		
(±5/749) 30/57	زندگی با همسر و فرزند تنی	وابسته به مواد	
(±4/895) 27/19	انواع دیگر ساختارها		

خود کنار می‌آید و استقلال کمی از خود نشان می‌دهد که می‌تواند منجر به تکانشگری و پرخاشگری شود (36). از نظر اجتماعی بی‌مسئولیت و از نظر فکری ناپخته است (37). نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر تا حدودی با یافته‌های پژوهش‌های پیشین (12 و 33-31) همسو است.

در پژوهش حاضر، خرده‌مقیاس محتاط بودن اثر پیش‌بینی‌کنندگی متفاوتی بر سبک فرزندپروری آزادگذار در دو گروه عادی و وابسته به مواد داشت، این تفاوت را به علت فقدان پژوهش‌های صورت گرفته در این قلمرو نمی‌توان قطعی دانست.

در گروه افراد غیروابسته به مواد، خرده‌مقیاس مسئولیت‌پذیری و در گروه افراد وابسته به مواد خرده‌مقیاس‌های مسئولیت‌پذیری، نیاز به تأیید و مستحق بودن، به طور

معنی‌داری سبک فرزندپروری استبدادی را پیش‌بینی می‌کند. سبک زندگی مستحق بودن، ارزیابی می‌کند که آیا فرد ترجیح می‌دهد که در موقعیت‌های اجتماعی با او به عنوان فردی استثنایی و منحصر به فرد رفتار شود یا خیر. بالا بودن نمره در سبک زندگی مستحق بودن، احتمالاً نشان دهنده آن است که احساس مستحق بودن یک مکانیزم دفاعی برای جبران کمبودهای محبت و عدم هویت است (34). در این افراد نیاز به تأیید به‌منظور دریافت عشق و محبت‌پذیری از طرف دیگران شکل می‌گیرد (38). در پژوهشی (39) که در میان نوجوانان دبیرستانی آمریکایی انجام شد، سبک فرزندپروری مستبدانه به طور مثبت با سبک زندگی محتاط بودن در ارتباط بود، اما ناهم‌سویی یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش مذکور، می‌تواند به علت تفاوت فرهنگی و روش والدین در ابراز عاطفه و کنترل و نیز ادراک متفاوت نوجوانان باشد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که خرده‌مقیاس‌های مسئولیت‌پذیری، مستحق بودن، نیاز به تأیید، سخت‌گیری و کنارآمدن در گروه عادی، و علاقه اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، محتاط بودن، نیاز به تأیید و سخت‌گیری در گروه افراد وابسته به مواد، سبک فرزندپروری مقتدرانه را به طور معنی‌داری پیش‌بینی می‌کند.

همسو با این یافته‌ها نشان داده شده است (36) که سبک زندگی محتاط بودن در افراد وابسته به مواد، شیوه فرزندپروری مقتدرانه را پیش‌بینی می‌کند.

با توجه به این یافته‌ها که علاقه اجتماعی در افراد وابسته به مواد پیش‌بینی‌کننده سبک فرزندپروری مقتدرانه است و از

استفاده از آزمون هات لاینز تریس روی ترکیب خطی شیوه‌های فرزندپروری و ساختار خانواده، حاکی از عدم معنی‌داری تفاوت دو گروه افراد وابسته به مواد و عادی است ($p < 0/05$). یعنی بین دو گروه افراد وابسته به مواد و عادی از لحاظ ارتباط بین ساختارهای مختلف خانواده با سبک زندگی سهل‌گیرانه ($F=0/08$, $p=0/76$)، مستبدانه ($F=0/03$, $p=0/84$) و مقتدرانه ($F=0/17$, $p=0/67$) تفاوت معنی‌داری وجود نداشت.

بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین سبک زندگی با سبک فرزندپروری در پدران، با در نظر گرفتن نقش عامل اعتیاد پدر بود.

با شناخت رابطه سبک زندگی و سبک فرزندپروری می‌توان به خانواده‌ای با سطح عملکرد بهتر دست یافت.

نتایج نشان داد که در هر دو گروه افراد وابسته به مواد و افراد عادی، بین خرده‌مقیاس‌های سبک زندگی مسئولیت‌پذیری، محتاط بودن، نیاز به تأیید، مورد علاقه همه بودن و کوشش برای رسیدن به کمال، با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه مثبت و بین خرده‌مقیاس سبک زندگی کنارآمدن با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه منفی وجود داشت.

در گروه افراد عادی، علاقه اجتماعی، مستحق بودن و محتاط بودن و در گروه افراد وابسته به مواد مستحق بودن، به طور معنی‌داری پیش‌بینی‌کننده شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه (آزادگذار) بود. این نتایج هم‌راستا با یافته‌های پژوهش‌هایی (12 و 33-30) است که دریافته‌اند بین افراد وابسته به مواد و افراد عادی تفاوت معنی‌داری از لحاظ سبک‌های زندگی وجود دارد.

سبک زندگی علاقه اجتماعی به ارزیابی احساس تعلق فرد نسبت به جامعه می‌پردازد (30). شاید بتوان گفت که گسترش رسانه‌های جدید و دسترسی به اطلاعات، در دهه اخیر باعث سهل‌گیری والدین در رابطه با فرزندان شده است.

سبک زندگی محتاط بودن که در آن، فرد در موقعیت بین فردی احساس امنیت و اعتماد می‌کند (34)، منجر به شکل‌گیری سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه می‌شود که در این سبک، تقریباً تمام جنبه‌های رشد، از جمله دلبستگی، شناخت و مهارت‌های هیجانی و اجتماعی مختل می‌گردد (35). فرزند دارای والد سهل‌گیر، به راحتی با افراد اطراف

عاطفی خانواده و کیفیت تعاملات خانوادگی، بیشتر از متغیرهای مربوط به ساختار خانواده تأثیر می‌پذیرد.

به طور کلی از یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که در دو گروه پدران وابسته به مواد و غیروابسته به مواد به تفکیک، برخی از خرده مقیاس‌های سبک‌های زندگی به طور معنی‌داری شیوه‌های فرزندپروری را پیش‌بینی می‌کنند.

این مطالعه دارای محدودیت‌هایی بود از جمله این که نمونه مورد پژوهش را پدران تشکیل می‌دادند، بنابراین نتایج قابل تعمیم به مادران نیست. نمونه‌گیری در دسترس بود، بنابراین تعمیم نتایج پژوهش باید با احتیاط صورت گیرد. پیشنهاد می‌گردد که در پژوهش‌های آتی این محدودیت‌ها برطرف گردد، به علاوه متغیرهای تعدیل‌کننده یا واسطه‌ای از جمله کیفیت روابط زناشویی (رضایت زناشویی)، نگرش نسبت به داشتن فرزند قبل از تولد (خواسته یا ناخواسته بودن فرزند) و سطوح فرهنگی - اقتصادی لحاظ شود. همچنین انجام پژوهش‌های مکمل که بتواند این متغیرها را به‌طور همزمان مورد بررسی قرار دهند، برای پژوهش‌های آینده توصیه می‌شود.

سپاسگزاری

بدین وسیله از مسئولان محترم مرکز ترک اعتیاد جمعیت آفتاب و جمعیت احیای انسانی کنگره 60، که شرایط را برای انجام پژوهش حاضر فراهم آوردند، تشکر و قدردانی می‌شود. [بنا به اظهار نویسنده مسئول مقاله، حمایت مالی از پژوهش و تعارض منافع وجود نداشته است].

منابع

1. Kamijani M, Maher F. The comparison of child raising styles between the parents who own conduct disorder children and the parents who own normal children. Danesh va Pazhouhesh in Psy. 2007; 9(33): 63-94. [Persian]
2. Harris AE, Curtin L. Parental Perception, Early Maladaptive Schemas and Depressive Symptoms in Young Adult. Cognit Ther Res. 2007; 26(3): 405-416.
3. Glasgow KI, Dornbusch SM, Troger dL, Steinberg L, Ritter pL. Parenting styles, adolescent's attributions and educational outcomes in nine heterogeneous high schools. J of child dev. 1997; 68(3): 507-529.

طرفی افراد وابسته به مواد در خرده مقیاس علاقه اجتماعی نمره کمتری می‌گیرند، نظارت اندک پدر وابسته به مواد بر فرزندان بر این اساس تا حدی قابل توجیه است.

کودکانی که در خانواده‌های با سبک فرزندپروری مقتدرانه پرورش می‌یابند، اعتماد به نفس بالاتری دارند و بیشتر متمایل به درگیری در رفتارهای اکتشافی هستند و از نظر تحصیلی نیز با انگیزه‌ترند. فرزندپروری مقتدرانه با عملکرد تحصیلی بهتر در میان نوجوانان مرتبط است (36). فرزندان این خانواده‌ها سازگاری و مهارت‌های اجتماعی بالاتری دارند و از راهبردهای مقابله‌ای مؤثرتری استفاده می‌کنند (35).

مقایسه بین دو گروه افراد وابسته به مواد و غیروابسته به مواد در مورد نقش جنسیت فرزندان در سبک فرزندپروری والدین، تفاوت‌های معنی‌داری را بین آنها نشان نداد. اما نتایج پژوهش رضوان‌خواه (40) در تبریز نشان داد که سبک‌های فرزندپروری والدین در دو جنس مختلف متفاوت است. همچنین یافته‌های تحقیقات کلین¹، ابریانت² و هاپکینز³ (41)، بافت اجتماعی که فرزندان در آن رشد می‌یابند و نقش‌های متفاوت والدین برای پسران و دختران را مورد تأکید قرار داده است. نوجوانان دختر بیشتر سبک مقتدرانه و سهل‌گیرانه و نوجوانان پسر بیشتر سبک مستبدانه و سهل‌گیرانه را ادراک می‌کنند (12). ادراک کمتر سبک فرزندپروری مستبدانه توسط دختران، همسو با برخی یافته‌های پژوهش‌های دیگر است که در آن‌ها دختران کمتر سبک مستبدانه و بیشتر سبک سهل‌گیرانه را ادراک می‌کردند (41). می‌توان تفاوت مشاهده شده بین نتایج مطالعه حاضر و پژوهش‌های پیشین را با تفاوت در بافت اجتماعی - فرهنگی و نقش‌های متفاوتی که والدین برای دختران و پسران در نظر می‌گیرند، تبیین نمود.

نتایج تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که بین دو گروه افراد وابسته به مواد و غیروابسته به مواد از لحاظ ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری و ساختار خانواده تفاوت معنی‌داری یافت نشد. با توجه به محدودیت‌های پیشینه پژوهشی در زمینه رابطه سبک‌های فرزندپروری با ساختار خانواده، نمی‌توان در این مورد مقایسه‌ای با مطالعات دیگر انجام داد.

با توجه به عدم معنی‌داری متغیرها در این پژوهش، چنین به نظر می‌رسد که سبک‌های فرزندپروری والدین از جو

¹ Klein

² O'bryant

³ Hopkins

4. Simons LG, Conger RD. Linking Mother-Father Differences in Parenting to a Typology of Family Parenting Styles and Adolescent outcomes. *J. Fam.* 2007; 28(2): 218-222.
5. Bulanda RE. Paternal involvement with children: The influence of gender ideologies. *J Marr Fam.* 2004; 66(1): 42-4.
6. Jeynes WH. The Saliency of the subtle aspects parental involvement and encouraging that involvement: implications school based programs. *Teach. Coll. Rec.* 2010; 112(3): 747 – 774.
7. Emmelkamp PM, Heeres H. Drug addiction and parental rearing style: a Controlled Study. *Int J Addict.* 1988; 23(2): 207-16.
8. Aslani1 K, Derikvandi N, Dehghani Y. Relationship between parenting styles, religiosity, and emotional intelligence with addiction potential in high schools students. *JFMH.* 2015; 17(65):80-74. [Persian]
9. Calafat A, García F, Juan M, Becoña E, Fernández-Hermida JR. Which parenting style is more protective against adolescent substance use? Evidence within the European context. *Drug Alcohol Depend.* 2014; 138: 185-92.
10. Resurrección DM, Salguero JM, Ruiz-Aranda D. Emotional intelligence and psychological maladjustment in adolescence: A systematic review. *J Adolesc.* 2014; 37(4): 461-72.
11. Hardy DF, Power TG, Jaedicke S. Examining the relation of parenting to children's coping with every day stress. *Child Dev.* 1993; 64(6): 18-48.
12. Yazdandost R. Inter-ethnic examining of role of parenting style in shaping life style [dissertation]. [Tehran]: Shahid Beheshti University; 2010. 132p. [Persian]
13. Cockerham WC. Health lifestyle theory and the convergence of agency and structure. *JHSB,* 2005; 46(1): 51-67.
14. Highland RA. Murderers and nonviolent offenders: A comparison of lifestyle, pampering, and early recollections [dissertation]. [Georgia]: Department of Counseling and Psychological Services, Georgia State University; 2008.106p.
15. Almasi N, Kheybari M. The relationship between lifestyle and marital satisfaction in athletes and and its comparison with normal people. *JSM.* 2010; 5: 73-78. [Persian]
16. Keshmiri M. Comparing the lifestyles and ways of coping with stress Special and regular education teachers. *J of Exception Edu.* 2010; 21(3):(98-99). [Persian]
17. Dadsetan P. Prevention of False Retardation: The first step in providing mental health. *Proceedings of the humanities and psychol;* 2000. [Persian]
18. PooladFar R. A Study of Relationship between High School Teachers' Life Styles and Their Psychological Disorders in Esfahan. *JPS.* 2006; 7-18, (2) 1 & 2. [Persian]
19. Carlson J, Sperry L, Lewis JA. Family therapy: Ensuring efficient treatment. Translation: Shokouh Navabinezhad. Tehran: Family Study and Research Center; 2005. [Persian]
20. Kadivar P, Eslami A, Farahani MT. The relationship between family structure interaction with coping stress style and different gender in per university. *Psychol and Edu J.* 2004; 34(2): 123-97.
21. Cohen B, Salasi M, editor. Introduction to sociology. Tehran: Samt Publication; 2007. [Persian]
22. Shoemaker DJ. Theories of Delinquency: An Examination of Explanations of Delinquent Behavior. 6th ed. New York: Oxford University Press; 2010.
23. Diaz Y. Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children. [Maryland]: Unpublished Master Thesis, University of Maryland; 2005.
24. Esfandiary GH. Study on the parenting methods of mothers having children with behavior disorders and normal children's mothers and the impact of mother's education on children's behavioral disorders. Tehran: psychiatric Institute; 1995. [Persian]
25. Kazemi A, Eftekhar Ardabili H, Solokian S. The Association Between Social Competence in Adolescents and Mothers' Parenting Style: A Cross Sectional Study on Iranian Girls. *child Adolesc Soc Work J.* 2010; 27(5): 395-403.
26. Seifi M. Typology of Family Parenting and its impacts on anxiety and depression in adolescents. 4nd Congress of Family Pathology. University of Shahid Beheshti; 2009. [Persian]

27. Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *J. Pers. Asses*, 57 (1): 110- 119.
28. Curlette WL, Kern RM, wheeler, MS. Uses and interpretation of scores on the BASIS-A inventory. *Individual psychol*. 1996; 52(2): 95-103.
29. Snow JN, Kern RM, Curlette WL. Identifying personality traits associated with attrition in systematic training for effective parenting groups. *TFJ*, 9(2):102-108.
30. Bashiri M, Alizadeh H, Karami A. survey the psychometric properties and lifestyle questionnaire Standardization (BASIS-A) on youth 18 to 40 years old. *J. Couns.Res &Dev*. 2008; 6(21): 69-92. [Persian]
31. Suprina JS. Using life-style and coping resources to differentiate between gay men with and without alcohol problems: an Adlerian study. Department of counseling and psychological services. [Georgia]: Georgia State University; 2006. 10-23.
32. Lewis TF, Watts RE. The predictability of Adlerian lifestyle themes compared to demographic variables associated with college student drinking. *J of Indivi Psychol* . 2004; 60 (3): 245-264.
33. Bauman GS. Clinical usefulness of the BASIS-A inventory with substance abusers. [Georgia]: Dissertation of Georgia state university, 2000. 252P.
34. Momeni K, Bagiyani Kulemarez M, Mohammadi O, Bahrami P, Zarei F. Comparing the early maladaptive schemas and lifestyle among the patients with depression and multiple sclerosis and normal people. *J Kermanshah Univ Med Sci*. 2015; 19(6): 343-52.
35. Lora B. *Developmental Psychology*. Translation: Sayyed Yahya Sayyed Mohammadi. Tehran: Arasbaran Publication; 2008. [Persian]
36. Nijhof KS, Engels R. Parenting styles, coping strategies, and the expression of home sickness. *J of Adolesce*. 2007; 30(5): 709-720
37. Berjeret J. *Addiction and Personality*. Translation: Tofan Gogani. Tehran: Organization of Publication and education of Islamic revolution Publication; 1991. [Persian]
38. Shariatmadari A. *Educational Psychology*. Tehran: Amirkabir Publication; 2011. [Persian]
39. Gonzalez AR, Holbein MF, Quilter SH. High school student's Goal orientations and their relationship to perceived styles. *Contemporary Edu Psychol*. 2002; 27(3): 450- 370.
40. Rezvankhah M. Studying the effects of parenting attitudes in mental-social health (self-concept, social interaction) of teens. *J of School Psychol*, 2012; 2(3):97-124. [Persian]
41. Klein HA, O'bryant K, Hopkins H. Recalled parental authority style and self-perception in college men and women. *J of Genetic Psychol*. 1996; 157(1): 5-17.

Original Article

**The Relationship between Paternal Lifestyle and Parenting Style:
The Role of Father's Drug Addiction**

Abstract

Objectives: The present study was performed to examine the relationship between fathers' lifestyles and parenting styles of drug addicts compared to normal individuals. **Method:** The study sample consisted of 173 addicted subjects referred to addiction treatment centers in Tehran and 195 normal subjects selected using convenience sampling method. Data were obtained using Basic Adlerian Scales for Interpersonal Success-Adult form (BASIS_A), and Baumrind Parenting Styles; and were analyzed using Pearson's correlation, multiple linear regression, and MANOVA. **Results:** Some lifestyles' subscales significantly predicted parenting styles in addicted and normal subjects. There was no significant difference between the two groups considering the relationships between paternal parenting styles and children's gender and family structure. **Conclusion:** The results support the influence of father's lifestyle on his parenting style. Thus, the lifestyle should be emphasized as a crucial psychological issue.

Key words: *lifestyle; parenting; gender*

[Received: 6 May 2015; Accepted: 7 September 2015]

Mojtaba Habibi*, **Mohsen Haji Sheykhi^a**, **Hanie Lavaf^a**

* Corresponding author: Family Research Center, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, IR.

Fax: +9823-22431814

E-mail: mo_habibi@sbu.ac.ir

^a Department of Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.